

آخرین حدیث امیر مومنان برای دوستدارانش

۱۷ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۴

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: روزی پیامبر (ص) مرا خواند، فرمود: یا علی به مسجد می‌روی و مردم را به مسجد دعوت می‌کنی. به مردم بگو، من پیام‌آور خدایم. رسول خدا مرا فرستاده که پیام او را به شما برسانم

آیت‌الله جوادی آملی از جمله فقها و اندیشمندان است که به طور مفصل درباره حکمت و فلسفه اعمال عبادی دین مبین اسلام سخن گفته است.

آنچه در ادامه می‌خوانید برگرفته از بیانات این عالم فرزانه است.

«اصبغ بن نباته» که از شاگردان مخصوص علی (ع) است می‌گوید: وقتی ضربت بر سر مطهر آن حضرت اثر کرد، صدای گریه از درون خانه به گوش عده‌ای از اصحاب رسید. آنها هم بی‌تابی و گریه کردند. حسن بن علی (ع) از خانه بیرون آمده فرمود چه خبر است؟ اصحاب و شاگردان گفتند: ما صدای گریه از درون خانه شنیدیم و نتوانستیم تحمل کنیم و مشتاق زیارت مولاییم. فرمود: حضرت در حالی نیست که بتوانید با او ملاقات کنید، بروید.

اصبغ بن نباته می‌گوید: همه رفتند و من ماندم. دوباره صدای گریه از درون خانه بلند شد و من گریه کردم باز حسن بن علی (ع) از منزل بیرون آمده فرمودند: مگر نگفتم بروید؟ عرض کردم: «والله یا بن رسول الله ما تتابعنی نفسی» قسم به خدا نمی‌توانم بروم. قلبم اینجاست، باید حضرت را ببینم و امام را زیارت کنم. امام حسن فرمود: پس صبر کن اجازه بگیرم، چند لحظه صبر کردم، امام فرمودند: بیا.

وقتی وارد شدم دیدم علی (ع) پارچه زردی را به سر مبارکشان بسته‌اند و خون مرتب از سر ریخته، رخسار شریفشان هم زرد شده است که من نتوانستم بین آن پارچه با رنگ صورت مبارکشان فرق بگذارم. آنگاه خودم را به دامان حضرت انداخته و بوسیدم و گریه کردم.

حضرت به من فرمود: «لَا تَبْكُ يَا أَصْبَغُ فَإِنَّهَا وَاللَّهِ الْجَنَّةُ»، اصبغ گریه مکن به خدا من به بهشت می‌روم. این سخن، همانا کلام اهل یقین است.

اصبغ بن نباته گفت: یا امیرالمؤمنین من هم می دانم که شما اهل بهشت هستید؛ اما گریه من برای آن است که ما شما را از دست می دهیم تکلیف ما چیست؟! او هم شاگرد همان مولی است. در قرآن کریم آمده است، یک عده صیوررتشان بهشت است، یعنی بهشت می روند نه اینکه به طرف بهشت سیر می کنند.

اصبغ بن نباته عرض می کند: حدیثی از پیامبر بفرمایید و چون دیگر من شما را نمی بینم، این آخرین حدیثی باشد که از پیامبر (ص) نقل می کنید.

فرمود: روزی پیامبر (ص) مرا خواند، فرمود: یا علی به مسجد می روی و مردم را به مسجد دعوت می کنی. آنگاه خدا را حمد و ثنا می کنی و بر من درود می فرستی؛ وقتی خطبهات با این مقدمه شروع شد، به مردم بگو، من پیام آور خدایم.

رسول خدا مرا فرستاده که پیام او را به شما برسانم و پیام رسول خدا این است «ان لعنة الله و لعنة ملائکته المقربین و انبیائه المرسلین و لعنتی علی من انتهی الی غیر ابيه، و ادعی علی غیر موالیه، أو ظلم اجیراً اجره»؛ لعنت خدا و فرشتگان و انبیا بر کسی که به غیر پدرش انتساب پیدا کند و به غیر موالیانش ارتباط داشته و این رابطه را قطع کند.

حال این انتساب یعنی چه؟ این پدر به چه معنا است؟ این «مولی» به چه معنا است؟ هر کسی به گونه ای استفاده کرده است. در ادامه فرمود: لعنت خدا بر کسی که مزد اجیر را ندهد. اصبغ بن نباته می گوید: حضرت، این چند چیز را به من فرمود؛ من هم آمدم و به مردم گفتم.

آنگاه کسی در بین جمعیت برخاست و گفت: این را توضیح بدهید. لعنت خدا و رسول و ملائکه بر کسی که به غیر پدرش یا به غیر موالیانش انتساب داشته باشد و ادعای غیر آنان را در سر بپروراند و یا حق اجیر را ندهد و به اجیر ظلم کند، منظور چیست و کیست؟

امیرالمؤمنین فرمود: من این خواسته را به پیامبر رساندم. حضرت فرمود برو به مسجد و این کلمات را تفسیر کن و بگو: «ایها الناس ما کنا لنجیئکم بشیء الا و عندنا تأویله و تفسیره»؛ مردم ما حرفی نگفتیم که گنگ و مبهم باشد؛ بلکه این سخن نیز تأویل و تفسیرش پیش ما است.

اینکه گفتیم بر کسی که به غیر پدرش انتساب داشته باشد «الا و انی انا ابوکم» من پدر شما هستم. هر کسی به پدرش ارتباط نداشته باشد یعنی به پیامبر ارتباط ندارد و بعد هم در این ارتباط «انا و علی ابوا هذه الامه» مطرح شد. هر کس به این پدر ارتباط نداشته باشد و فرزند این پدر نباشد مشمول لعنت خدا و فرشتگان خواهد بود.

چگونه انسان به پیامبر ارتباط پدری و پسری دارد؛ جز از راه محبت؟ آیا محبت بدون معرفت و معرفت بدون اطاعت میسر است؟ آن اطاعت و عبادت‌های خدا به دستور پیامبر است که انسان را عارف و عارف را محب می‌کند.

در ادامه فرمود: «الا و انی انا ابوکم، الا و انی انا مولاکم، الا و انی انا اجیرکم» من مولای شما هستم ارتباطتان را با من قطع نکنید. من اجیرم، اجرتم را بدهید. اجرتم پیامبر چیزی جز محبت خاندانش نیست؛ زیرا «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» محصول زحمات چندین ساله‌ام این است که شما دوست علی و اولاد علی باشید. دوست عترت طاهره باشید. وقتی نام اینها را می‌برند، قلبتان باز شود و نشاطی در جانتان احساس کنید. دستورات را از اینها بگیرید و پیروی را نسبت به اینها داشته باشید. مزد رسالت من «محبت» اینهاست. محبت، محصول معرفت و معرفت هم محصول اطاعت است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/30913/آخرین-حدیث-امیر-حدیث-آخرین/30913>